

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

دانشکده الهیات

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد

رشته علوم قرآن و حدیث

بررسی الگوهای سعادت و شقاوت در قرآن

استاد راهنما:

دکتر کریم علی محمدی

استاد مشاور:

دکتر صمد عبداللهی عابد

پژوهشگر:

فاطمه بابایی

تیر ماه / ۱۳۹۰

تبریز / ایران

تقدیم به:

پیشگاه مقدس یوسف زهرا حضرت مهدی (عج)
و پدر و مادرم که وجود پرمهرشان گرمابخش تمام لحظاتم
می باشد

و تقدیم به تمام کسانی که دوستشان دارم.

تقدیر و تشکر

حمد و ثنای پروردگار جهانیان را که به انسان آنچه می‌دانست آموخت . اعتلاء و شکوفایی هر متعلمی بسته به تعلیمات استادش بوده و هر جا هر عالمی بر اطراف خود روشنی بخشیده ، بی‌شک متصل به منبع پرنور و فیاض استاد بوده است.

تهیه‌ی این مجموعه میسر نمی‌شد مگر با مساعدت اساتید بزرگوار. بنابراین، از تمامی کسانی که بنده‌ی حقیر را در این پژوهش یاری نموده اند، به ویژه از اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر کریم علی‌محمدی در سمت استاد راهنما و جناب آقای دکتر صمد عبداللهی عابد در سمت استاد مشاور و سایر اساتید گروه که در طول تحقیق، این جانب را با راهنمایی های مفید خود رهنمون بوده اند، کمال تشکر و قدردانی می‌نمایم. و در پایان از خانواده‌ی محترم و دوستان عزیزم که صبورانه مرا در تدوین این پژوهش همراهی نمودند، تقدیر و تشکر می‌نمایم.

فاطمه بابایی

تیر/۹۰

تبریز/ایران

چکیده

قرآن کریم در آیه ی ۱۰۵ سوره ی هود انسان‌ها را به دو گروه سعید و شقی تقسیم می‌کند. در مورد این دو واژه تعریف‌ها و دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است؛ از جمله، علامه طباطبایی فرموده‌اند: سعادت هر چیزی رسیدن آن به خیر وجودش و شقاوت، محرومیت و نداشتن آن است. اما چون شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها بیشتر متأثر از رفتار دیگران می‌باشد و یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن شیوه‌ی الگودهی می‌باشد، بنابراین، لازم است در جهت معرفی الگوهای سعادت و برحذر داشتن از الگوها و چهره‌های شقاوت، اهمیت ویژه‌ای داده شود. الگو به معنای " اسوه، مقتدا، سرمشق و ... " می‌باشد و تاسی نیز به معنای اقتدا کردن و پیروی در رفتار و اعمال می‌باشد. از مزایای اسوه‌ها این است که اسوه‌ها عامل تحرک انسان و پویایی حیات انسان می‌باشند، همواره و به سهولت در برابر دیدگان مردم قابل مراجعه و دسترسی می‌باشند. هم‌چنین با معرفی الگوهای خوب و بد می‌توان با انحرافات اخلاقی، اجتماعی و کاهش جرایم مبارزه کرد. قرآن کریم، در یک تقسیم‌بندی، الگوها را به الگوهای مثبت و منفی تقسیم کرده و مومنین را به تبعیت از الگوهای مثبت دعوت و از الگوهای منفی برحذر داشته است که ما از این الگوها به الگوهای سعادت و شقاوت تعبیر می‌کنیم و الگوهای سعادت را به دو صورت کلی و مصداقی تقسیم کرده و الگودهی مصداقی را گاهی به صورت فردی و به دو نوع پیامبران از قبیل: محمد(ص)، ابراهیم(ع) و ... و غیرپیامبران مثل: لقمان، طالوت، مریم(س)، ... و گاهی به صورت گروهی مثل: اصحاب کهف، ... هم‌چنین، چهره‌های شقاوت را نیز به کلی و مصداقی و الگودهی مصداقی را نیز به دو صورت فردی از قبیل: ابلیس، قابیل، پسر نوح(ع) ... و هم‌چنین به صورت گروهی مثل: اصحاب فیل، قوم عاد و ... بیان کرده‌ایم.

کلمات کلیدی: سعادت، شقاوت، اسوه، قرآن

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
چکیده	یک
فصل اول: کلیات و تعاریف پژوهش.....	۲
۱-۱. مقدمه	۳
۲-۱. بیان مسئله	۴
۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش	۴
۴-۱. اهداف پژوهشی	۵
۵-۱. سوالات پژوهش	۵
۶-۱. فرضیه‌های پژوهش	۵
۷-۱. پیشینه‌ی پژوهش	۶
۸-۱. روش پژوهش	۶
۹-۱. معنانشناسی واژه‌های سعید ، شقی ، اسوه و واژگان مرتبط با آن‌ها	۶
۱۰-۱. دیدگاه اسلام درباره‌ی سعادت بشر	۸
فصل دوم: عوامل سعادت و شقاوت	۱۰
۱-۲. عوامل سعادت	۱۱
۱-۲-۱. عوامل اعتقادی.....	۱۱
۱-۲-۱-۱. ایمان	۱۱
۱-۲-۱-۲. صبر	۱۱
۱-۲-۱-۳. توکل	۱۲
۱-۲-۱-۴. تقوا	۱۲
۱-۲-۱-۵. رضایت خداوند.....	۱۳

- ۶-۱-۱-۲. غفران و رحمت الهی ۱۴
- ۲-۱-۲. عوامل کاربردی ۱۴
- ۱-۲-۱-۲. توبه ۱۴
- ۲-۲-۱-۲. تزکیه نفس ۱۴
- ۳-۲-۱-۲. زکات ۱۵
- ۴-۲-۱-۲. پرهیز از گناه ۱۵
- ۵-۲-۱-۲. نماز ۱۶
- ۶-۲-۱-۲. جهاد ۱۶
- ۲-۲. عوامل شقاوت ۱۶
- ۱-۲-۲. عوامل اعتقادی ۱۷
- ۱-۱-۲-۲. تکذیب آیات خدا ۱۷
- ۲-۱-۲-۲. جهل ۱۷
- ۳-۱-۲-۲. هواپرستی ۱۸
- ۴-۱-۲-۲. غرور ۱۸
- ۵-۱-۲-۲. غفلت ۱۸
- ۲-۲-۲. عوامل کاربردی ۱۸
- ۱-۲-۲-۲. بخل ۱۸
- ۲-۲-۲-۲. عقوق والدین ۱۹
- ۳-۲-۲-۲. اعراض از هدایت ۱۹
- ۴-۲-۲-۲. نفاق و دورویی ۲۰
- ۵-۲-۲-۲. ظلم ۲۰
- ۶-۲-۲-۲. حسد ۲۰

- ۲۱..... ۷-۲-۲ ثروت اندوزی
- ۲۱..... ۸-۲-۲ حرص و طمع
- ۲۱..... ۳-۲ سعادت‌مندان در قرآن
- ۲۱..... ۱-۳-۲ انفاق‌کنندگان
- ۲۲..... ۲-۳-۲ اهل یقین
- ۲۲..... ۳-۳-۲ ترکیه‌کنندگان
- ۲۲..... ۴-۳-۲ حافظان نماز
- ۲۲..... ۵-۳-۲ دوری‌کنندگان از بخل
- ۲۳..... ۶-۳-۲ ذاکران
- ۲۴..... ۷-۳-۲ زکات‌دهندگان
- ۲۴..... ۸-۳-۲ صابران
- ۲۵..... ۱۰-۳-۲ مومنین و متقین
- ۲۵..... ۱۱-۳-۲ مطیعان خدا و رسول
- ۲۶..... ۱۲-۳-۲ نیکوکاران
- ۲۶..... ۱۳-۳-۲ هدایت‌شدگان
- ۲۶..... ۴-۲ شقاوتمندان در قرآن
- ۲۶..... ۱-۴-۲ اعراض‌کنندگان از آیات
- ۲۷..... ۲-۴-۲ بت‌پرستان
- ۲۷..... ۳-۴-۲ گمراهان
- ۲۷..... ۴-۴-۲ مشرکان
- ۲۸..... ۵-۴-۲ تکذیب‌کنندگان
- ۲۹..... فصل سوم: بررسی اسوه‌های سعادت

- ۳۰..... ۱-۳. نقش اسوه در زندگی، سعادت و شقاوت انسان
- ۳۱..... ۲-۳. فواید الگوها
- ۳۲..... ۳-۳. چگونگی الگوسازی قرآن
- ۳۳..... ۴-۳. اسوه‌های سعادت
- ۳۳..... ۳-۴-۱. اسوه‌دهی کلی قرآن
- ۳۳..... ۳-۴-۱-۱. عباد الرحمن
- ۳۴..... ۳-۴-۱-۲. صابرين
- ۳۵..... ۳-۴-۱-۳. متوكلين
- ۳۵..... ۳-۴-۱-۴. متقين
- ۳۶..... ۳-۴-۱-۵. توابين
- ۳۷..... ۳-۴-۲. اسوه‌دهی مصداقی قرآن
- ۳۷..... ۳-۴-۲-۱. از طريق بيان داستان افراد
- ۳۷..... ۳-۴-۲-۱-۱. پیامبران
- ۳۷..... ۳-۴-۲-۱-۱-۱. آدم(ع) اسوه‌ی یادگیری
- ۳۸..... ۳-۴-۲-۱-۱-۲. ادریس(ع) اسوه‌ی تعلیم و تدریس
- ۳۹..... ۳-۴-۲-۱-۱-۳. نوح(ع) اسوه‌ی استقامت در تبلیغ
- ۴۰..... ۳-۴-۲-۱-۱-۴. هود(ع) اسوه‌ی صراحت در تبلیغ
- ۴۱..... ۳-۴-۲-۱-۱-۵. ابراهیم(ع) اسوه و قهرمان توحید
- ۴۳..... ۳-۴-۲-۱-۱-۶. اسماعیل(ع) اسوه‌ی اطاعت محض فرمان الهی
- ۴۵..... ۳-۴-۲-۱-۱-۷. لوط(ع) اسوه‌ی غیرت و مبارزه با فساد اخلاقی
- ۴۶..... ۳-۴-۲-۱-۱-۸. اسحاق(ع) اسوه‌ی برکت
- ۴۷..... ۳-۴-۲-۱-۱-۹. یوسف(ع) اسوه و قهرمان عفت

- ۴۹.....۳-۴-۲-۱-۱-d. شعيب(ع) اسوهى اصلاح اقتصادى
- ۵۰.....۳-۴-۲-۱-۱-ذ. موسى(ع) اسوهى مبارزه با استكبار
- ۵۳.....۳-۴-۲-۱-۱-r. داود(ع) اسوهى كار و تلاش مقدس
- ۵۵.....۳-۴-۲-۱-۱-z. سليمان(ع) اسوهى تواضع
- ۵۶.....۳-۴-۲-۱-۱-s. يونس(ع) اسوهى انايه و بازگشت به سوى خدا
- ۵۸.....۳-۴-۲-۱-۱-sh. حزقييل(ع) اسوهى جان نثارى و فداكارى
- ۶۰.....۳-۴-۲-۱-۱-v. زكريا(ع) اسوهى عبادت
- ۶۱.....۳-۴-۲-۱-۱-ض. عيسى(ع) اسوهى تواضع و فروتنى
- ۶۱.....۳-۴-۲-۱-۱-ط. يحيى(ع) اسوهى شهادت
- ۶۳.....۳-۴-۲-۱-۱-ظ. اسوههاى صبر
- ۶۳..... الف). صالح(ع) اسوهى صبر و متانت در برخورد با مخالفان
- ۶۴..... ب). يعقوب(ع) اسوهى صبر جميل
- ۶۵..... پ). ايوب(ع) اسوهى صبر بر مشكلات
- ۶۸.....۳-۴-۲-۱-۱-f. حضرت محمد(ص) اسوهى كامل
- ۷۰..... الف). امانت دارى پيامبر(ص)
- ۷۰..... ب). مهربانى پيامبر(ص)
- ۷۱..... پ). سخاوت و بخشش پيامبر(ص)
- ۷۱..... ت). عدالت پيامبر(ص)
- ۷۲..... ث). سعهى صدر پيامبر(ص)
- ۷۳..... ج). پاكيگى و نظافت پيامبر(ص)
- ۷۴..... ح). تلاش و كار پيامبر(ص)
- ۷۴..... خ). وفائى به عهد پيامبر(ص)

- ۷۵..... غیر پیامبران ۲-۱-۲-۴-۳
- ۷۵..... لقمان اسوهی حکمت و فرزاندگی ۲-۱-۲-۴-۳ الف
- ۷۶..... طالوت اسوهی مدیریت و فرماندهی ۲-۱-۲-۴-۳ ب
- ۷۷..... ذوالقرنین اسوهی زمام‌داری و اصلاح‌گری ۲-۱-۲-۴-۳ پ
- ۸۰..... مریم(س) اسوهی عبادت و عفت ۲-۱-۲-۴-۳ ت
- ۸۲..... آسیه اسوهی ایمان در شرایط سخت ۲-۱-۲-۴-۳ ث
- ۸۴..... از طریق بیان سرگذشت گروه‌ها ۲-۲-۴-۳
- ۸۴..... اصحاب اخدود اسوهی جان‌نثاری در راه توحید ۱-۲-۲-۴-۳
- ۸۵..... اصحاب کهف اسوهی ترک زندگی مرفه در راه ایمان ۲-۲-۲-۴-۳
- ۹۰..... فصل چهارم: بررسی چهره‌های شقاوت
- ۹۱..... ۱-۴ چهره‌های کلی منفور در قرآن
- ۹۱..... ۱-۱-۴ کافرین
- ۹۲..... ۲-۱-۴ منافقین
- ۹۲..... ۳-۱-۴ مفسدین
- ۹۳..... ۴-۱-۴ مستکبرین
- ۹۴..... ۵-۱-۴ مسرفین
- ۹۴..... ۲-۴ چهره‌های مصداقی منفور در قرآن
- ۹۴..... ۱-۲-۴ چهره‌های منفور فردی
- ۹۵..... ۱-۱-۲-۴ ابلیس از چهره‌های غرور و تکبر
- ۹۶..... ۲-۱-۲-۴ قابیل چهره‌ی حسد
- ۹۸..... ۳-۱-۲-۴ پسر نوح(ع) از چهره‌های کفر
- ۹۹..... ۴-۱-۲-۴ برادران یوسف(ع) از چهره‌های خیانت

- ۱۰۱..... فرعون چهره‌ی غرور و خودبینی ۵-۱-۲-۴
- ۱۰۳..... قارون چهره‌ی بخل ۶-۱-۲-۴
- ۱۰۵..... نمروود و نمروودیان از چهره‌های لجاجت ۷-۱-۲-۴
- ۱۰۶..... همسرنوح و لوط (ع) چهره‌های خیانت ۸-۱-۲-۴
- ۱۰۸..... چهره‌های منفور گروهی ۲-۲-۴
- ۱۰۸..... اصحاب فیل ۱-۲-۲-۴
- ۱۱۰..... اصحاب رسّ ۲-۲-۲-۴
- ۱۱۱..... قوم عاد ۳-۲-۲-۴
- ۱۱۳..... قوم ثمود ۴-۲-۲-۴
- ۱۱۵..... نتیجه‌گیری و پیشنهادات
- ۱۱۶..... فهرست منابع

فصل اول

کلیات و تعاریف

۱-۱. مقدمه

قرآن کریم بهترین کتاب برای تربیت و هدایت بشر به شمار می‌رود که به صورت دست نخورده از طریق معصومین(ع) به دست ما رسیده است و با توجه به این که در این کتاب هر چیزی که برای کمال و سعادت انسان لازم است، بیان شده است، بهتر است که این کتاب به طور کامل از جنبه‌های مختلف تبیین شود تا همه‌ی نکته‌های این کتاب عظیم برای ما روشن شود. یکی از این جنبه‌ها، تبیین اسوه‌های معرفی شده در آن می‌باشد که بشر برای کمال خود به شناخت این الگوها نیاز دارد. بنابراین، در قرآن کریم عواملی برای سعادت و شقاوت برشمرده شده و خود اسلام نیز بشر را از جنبه‌ی جسم و جان و از جهت مادی و معنوی مورد توجه قرار داده است و سعادت انسان را در برخورداری از کمالات روحی و استفاده‌ی صحیح از تمایلات مادی می‌داند. با توجه به این که قرآن کریم انواع اسوه‌ها و الگوها را بیان کرده، این مطلب نشان‌دهنده‌ی اهمیت روش الگودهی است که از همان زمان نزول قرآن مورد توجه بوده است؛ بنابراین، در زمان ما نیز باید این روش مورد توجه قرار گرفته و به خوبی تبیین شود تا از الگوهای خوب پیروی شود و از الگوهای بد و عاقبت آن‌ها درس عبرت گرفته شود.

۱-۲. بیان مسئله

قرآن کریم انسان‌ها را به دو دسته‌ی سعید و شقی تقسیم می‌کند؛ چنان‌که در سوره‌ی هود آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ می‌فرماید: «آن روز که قیامت فرا رسد هیچ‌کس جز به‌یذن او سخن نمی‌گوید. گروهی بدبختند و گروهی خوش‌بخت. آن‌ها که بدبختند در آتشند و برای آن‌ها در آن‌جا زفیر و شهیق است. آن‌ها که خوش‌بخت و سعادتمند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند تا آسمان‌ها و زمین پابرجاست؛ مگر آنچه پروردگارت بخواهد. بخششی است قطع نشدنی.» بنابراین سعادت انسان، در گرو این است که هدایت الهی را با جان و دل پذیرا باشد و نقطه‌ی مقابل آن، شقاوت است که نپذیرفتن هدایت الهی است؛ هم‌چنان‌که اسلام نیز بشر را از جنبه‌ی جسم و جان و از جهت مادی و معنوی مورد توجه قرار داده و سعادت انسان را در برخورداری از کمالات روحی و استفاده‌ی صحیح از تمایلات مادی می‌داند. الگوپذیری و الگوگیری یکی از روش‌های تربیتی است که در قرآن کریم بیان شده است، اما این سخن به این معنی نیست که از دیگران تقلید کورکورانه صورت گیرد؛ بلکه باید با به‌کار گرفتن عقل از رفتارهای الگوهایی که قرآن معرفی کرده تاسی پذیرفت. بنابراین، خداوند در قرآن، داستان‌های پیامبران را برای سرگرمی و وقت‌گذرانی انسان‌ها، ذکر نکرده؛ بلکه هدف از این داستان‌ها، عبرت و درس‌های آموزنده است و هدف این است که آن‌ها اسوه و الگو و سرمشق جامعه باشند. پس اگر قرآن به ایمان، صبر، توبه، عفاف و ... دعوت کرده است، افرادی را که در این صفات، برتر از همه بودند به جامعه معرفی کرده است که از جمله‌ی این افراد، پیامبران می‌باشند که دو نمونه‌ی آن‌ها «محمد(ص) و ابراهیم(ع)» با تعبیر اسوه بودن شناخته شده‌اند و بقیه، به‌گونه‌ای دیگر معرفی شده‌اند تا مورد تاسی قرارگیرند. قرآن کریم، علاوه بر معرفی الگوهای خوب، الگوهای بد را هم معرفی کرده و مردم را از آن‌ها برحذر داشته تا مردم با دیدن عاقبت آن‌ها از آن‌ها درس گیرند و دوری کنند. بنابراین، یکی از راه‌های هدایت مردم به سوی سعادت و دور ماندن از شقاوت، معرفی الگوهای نیکو و الگوهای منحرف می‌باشد که بهتر است برای مردم و به‌ویژه برای جوانان معرفی شوند تا راه بهتری را در پیش گیرند.

۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از شیوه‌های ایجاد محیط مساعد و سالم، پدید آوردن الگوهای شایسته در آن محیط و جامعه و طرد الگوهای ناشایست است و افراد جهت آموختن قواعد زندگی به این الگوها نیاز دارند تا با پیروی از رفتار و کردار الگوها، خود را به صورت بازتاب وجودی آن‌ها درآورند و

یا از آن‌ها دوری کنند و چون در قرآن کریم هدف از بیان سرگذشت آن‌ها، به کار انداختن قوه‌ی تفکر انسانی دانسته شده: **فَأَقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ**؛ پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن، شاید که آنان بیندیشند. (اعراف/۱۷۶)؛ بنابراین، خود قرآن کریم به کاوش در زندگی پیامبران و غیر پیامبران پرداخته و جنبه‌ها و نکته‌هایی از زندگی ارزشمند آن‌ها را بیان کرده است تا با اندیشه در آن‌ها راهی برای خود برگزینیم. بنابراین، به دلیل این که آموزه‌های آسمانی نیاز به الگو و الگوپذیری را امری حیاتی می‌دانند پس ضروری است با کاوش در این کتاب آسمانی و بیان جنبه‌های عبرت‌آموز این داستان‌ها، راه بهتری برای جوانان و مردم نشان دهیم.

۴-۱. اهداف پژوهشی

- ۱- بررسی عوامل سعادت و شقاوت از دیدگاه قرآن
- ۲- شناسایی الگوهای سعادت و شقاوت
- ۳- معرفی این الگوها جهت تأسی جستن به برخی از این‌ها و دوری از برخی دیگر

۵-۱. سوالات پژوهش

- ۱- مفهوم سعادت و شقاوت از منظر قرآن چیست؟
- ۲- عوامل سعادت و شقاوت در قرآن کدامند؟
- ۳- چه کسانی در قرآن به عنوان الگوهای سعادت و شقاوت معرفی شده‌اند؟
- ۴- قرآن چگونه الگوسازی می‌کند؟

۶-۱. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- سعادت: یاری رساندن امور الهی به انسان برای رسیدن به خیر شقاوت: نبودن کمک و مساعدت پروردگار در رسیدن به خیر
- ۲- عوامل سعادت: ایمان، تقوا، تزکیه نفس، پیروی از خدا و پیامبران ... عوامل شقاوت: إعراض از ذکر خدا، معصیت، ظلم، هواپرستی...
- ۳- الگوهای سعادت: انبیاء، صدیقین، صالحین، ... الگوهای شقاوت: کافرین، منافقین، مستکبرین، ...

۴- قرآن کریم گاه از چهره‌های محبوب به صورت عام و با عناوین کلی مثل توأبین، صالحان... و گاهی به صورت خاص در مورد پیامبران و غیر آنان یاد نموده است اما چهره‌های منفور را بیشتر با توصیف عناوین کلی آنان مثل منافقان، متکبرین، کافران... و هم‌چنین افراد دیگری بیان کرده است.

۷-۱. پیشینه‌ی پژوهش

یکی از کارآمدترین روش‌ها در راستای عروج به کمال و سعادت و دوری از شقاوت میل به اسوه‌پذیری است و در قرآن نیز به الگوهای اخلاقی باقی مانده از گذشته مثل: انبیاء، صالحان،... و الگوهای شقاوت مثل: متکبرین، کافران،... اشاره شده است و این الگوها برای جامعه‌های گذشته، الگوهای عملی و برای ما و در این دوره الگوهای نظری می‌باشند. اما در مورد نوشته‌های موجود در این زمینه باید گفت کتاب خاصی در این زمینه نوشته نشده است و کارهای پژوهشی هم با این عنوان خاص کار نشده است؛ هرچند در مورد خود الگوها کارهایی صورت گرفته است.

۸-۱. روش پژوهش

مراحل کار: فیش برداری، تنظیم فیش‌ها، فصل بندی، و نهایتاً تدوین و نگارش بود و گردآوری داده‌ها هم بیشتر با مطالعات کتابخانه‌ای و نرم افزارهای موجود صورت گرفته است.

۹-۱. معاشناسی واژه‌های سعید، شقی، اسوه و واژگان مرتبط با آنها

در ارتباط با واژه‌های سعادت و شقاوت، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که به بیان آنها پرداخته می‌شود:

(۱). "سعید"، اصلی است که دلالت بر خیر و سرور می‌کند و خلاف نحس می‌باشد و مساعده نیز به معنی معاونت در هر چیزی، از همین ریشه گرفته شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۷۵)

(۲). سعادت به معنی نیرو گرفتن موجبات نعمت و خیر و سرور است و شقاوت به معنی نیرو گرفتن اسباب و موجبات گرفتاری و سختی است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۲۹۶)

۳). راغب نیز می‌گوید: «سعد و سعادت، یاری کردن در کارهای خدایی است برای رسیدن به خیر و نیکی و نقطه‌ی مقابل آن شقاوت که سختی و بدحالی است.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۰)

۴). علامه طباطبایی می‌فرمایند: «سعادت و شقاوت مقابل یکدیگرند؛ چه سعادت هر چیزی عبارت است از رسیدن آن به خیر وجودش تا با آن، کمال خود را یافته و در انسان که موجودی است مرکب از جسم و روح، عبارت است از رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی - اش و شقاوت، عبارت است از نداشتن و محرومیت از آن.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۱۸)

۵). سعادت، عبارت است از به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان به طور یک‌نواخت و هماهنگ که موجب کمال انسان می‌باشد و منظور، فعلیت یافتن استعدادهای روحی در مراحل عبادی، رام نمودن هوای نفس در بُعد اخلاقی و به دوش کشیدن وظایف اجتماعی است. (رسایی، ۱۳۷۷ش، ص ۲۶)

بنابراین، باید گفت که تمامی این عبارات گویای یک معنای مشترکند و آن، این که سعادت، حالتی است که از رسیدن به آن، خیر و سرور برای انسان حاصل می‌شود که بنابر بیان علامه طباطبایی، همان کمال شیء است و چنین شخصی را سعید می‌نامند و شقاوت، حالتی است که از فقدان خیر و سرور به وجود می‌آید و دارنده‌ی آن را شقی می‌نامند.

اما در مورد واژگان مرتبط با این دو واژه یعنی "فوز" و "فلاح" باید گفت که:

"فلاح" یعنی شکافتن و اصل دیگر آن یعنی بقاء و رستگاری. مصطفوی می‌گوید: «فَلاح، همان نجات یافتن از شرّ و بدی و رسیدن به خیر و صلاح است و فوز، مرتبه‌ی بعد از فلاح است و آن، رسیدن به خیر و نعمت است و از "فاز یفوز" گرفته شده و به معنی «پیروز شد و نجات یافت» می‌باشد و اصل در این ماده، همان رسیدن به خیر و نعمت است و مفاهیم نجات، ظفر و رهایی از لوازم آن می‌باشد.» (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۹، ص ۱۵۵)

"فوز"، یعنی پیروزی و رسیدن به کار خیر توأم با سلامت است و "فلاح"، یعنی ظفر و رسیدن به مقصود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲، ص ۳۳)

اسوه

اما اسوه کلمه‌ای قرآنی است که کاربرد آن در عربی اندک بوده است و در قرآن بیش از سه بار به کار نرفته است؛ یک بار در مورد پیامبر(ص) است که فرمود: "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست ..."، (احزاب/۲۱) و دو بار در مورد حضرت ابراهیم(ع) و پیروانش می‌باشد که می‌خوانیم: "قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ ... * لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ ..."، (ممتحنه/۶و۴) و این واژه در فارسی به مفهوم الگو می‌باشد.

ابن منظور نیز آورده که: اسوه یعنی قدوه و "اتس به" یعنی اقتدا کردن به او و مثل او بودن. (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۱۴، ص ۳۵)

اسوه به معنی "الگو، نمونه، پیشوا و سرمشق" می‌باشد و فرهنگ‌نویسان، اسوه را به "قدوه" تعریف کرده‌اند. اسوه گرفتن به معنی تأسی و اتساع یعنی اقتدا کردن است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۲۷)

۱-۱۰. دیدگاه اسلام درباره‌ی سعادت بشر

اسلام برخلاف مکاتب دیگر که تنها به یک جنبه‌ی انسان توجه کرده و تامین نیازمندی همان ناحیه را مایه‌ی خوش‌بختی دانسته‌اند، به سرشت آدمی نگریسته و تامین نیازمندی‌های مادی و معنوی را به طور همه جانبه مایه‌ی خوش‌بختی می‌داند. انسان، مجموعه‌ای از جسم و جان است و سعادت او نیز در برآوردن همه‌ی نیازمندی‌های مادی و معنوی اوست و هرکس به هر ناحیه‌ای از شئون فطری‌اش بی‌اعتنا باشد به همان نسبت به سعادت واقعی‌اش ضربه زده است. تعالیم اسلام روی اصل سرشت آدمی که همان مجموعه‌ی جسم و جان است، استوار می‌باشد و همه‌ی اموری را که دیگران به تنهایی مایه‌ی سعادت می‌دانند، اسلام در حد تعادل مایه‌ی خوش‌بختی می‌داند.

اسلام، سعادت بشر را تنها به معنویات محدود نمی‌کند و پشت پا زدن به دنیا را چنان‌که رسم مرتاضان است، نادرست می‌داند و به این خاطر است که در آیه‌ی ۷۷ سوره‌ی قصص می‌فرماید: "وَ ابْتَغِ فِيهَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ در آنچه خدایت ارزانی داشته،

سرای آخرت را بجوی و بهره‌ی خویش را از دنیا فراموش مکن و هم‌چنان که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن و در زمین از پی فساد مرو که خدا فسادکنندگان را دوست ندارد." بنابراین، سعادت واقعی بشر، حفظ موازنه میان جسم و جان و ارضاء تمام تمایلات مادی و معنوی اوست؛ هم باید روح را با ایمان به خدا و بندگی در برابرش تکامل بخشید و با آراستن به فضایل و پاک ساختن از رذائل به کمال واقعی‌اش رساند و هم تمایلات و غرائز مادی را سرکوب نکرده خواهش‌های مشروع بدن و نیازمندی‌های صحیح زندگی را برآورد. (قربانی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۱۵-۱۱۴)

امام باقر(ع) می‌فرماید: « از ما نیست آن‌که دنیایش را برای آخرت و یا آخرتش را برای دنیایش ترک کند.» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۵۶)